

- ۴۴- موسویان سید عباس، بازار سرمایه اسلامی (۱)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران-ایران، اول، ۱۳۹۱
- ۴۵- موسویان سید عباس، طرح تحول نظام بانکی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران-ایران، اول، ۱۳۹۴
- ۴۶- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق
- ۴۷- یوسفی، احمد علی، خرید و فروش اسکناس، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران-ایران، اول، ۱۳۸۹

مریم وفادار

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

حسین احمدی^۱

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

مصطفی رجایی پور

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

هادی سروری

استادیار، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

احکام و قواعد فقهی در کاربری فضای سبز

چکیده

الزامات نظام برنامه ریزی و طراحی کاربری‌ها که عبارت‌اند از توزیع فضایی کارکردهای شهری، می‌تواند تابع احکام و قواعد فقهی باشد. از آنجا که حوزه کاربری‌های شهری وسیع بوده و کاربری مسکونی، مذهبی، تجاری، درمانی، آموزشی، فضای سبز، ورزشی و... را شامل می‌شود؛ در این پژوهش، فقط به مبانی فقهی حوزه کاربری فضای سبز پرداخته شده است چون با توسعه شهرها و افزایش بافت و تراکم ساختمانی نیاز به فضاهای سبز و پارک‌ها بوده و این ضرورت به جهت تأثیر این فضاها بر آلودگی‌های محیطی و نیز تأثیر بر آرامش و سلامتی و تجدید و بازسازی قوا دو چندان خواهد شد.

در این راستا از آیات قرآن، روایات و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) و اهل بیت (ع) و قواعد فقهی متناسب بهره گرفته شده است. برای به دست آوردن یافته‌های پژوهش ابتدا احکام، قواعد فقهی و کاربری زمین تبیین شده و آنگاه به

^۱ ahmari.hosein @yhoo.com

روش استقرائی تحلیل محتوا گردیده است به طوری که کاربری فضای سبز می‌تواند تحت تأثیر احکام و قواعد فقهی شکل گیرد و تأثیر بر تخصیص و مکان‌یابی و در ارتقاء معنایی و افزایش عملکرد کاربری فضای سبز دارد. در این صورت این احکام می‌تواند مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته و براساس نیاز فضاهای شهری در مقیاس ناحیه، شهر و منطقه عملی گردد.

کلیدواژه‌ها: احکام، قواعد فقهی، احکام کاربری فضای سبز.

مقدمه

اسلام از آدمی نمی‌خواهد که دنیا را ترک گوید تا خراب و ویران گردد، بلکه از او می‌خواهد تا آبادش سازد و از نعمت‌های آن بهره برد و با آن بر فرمان‌برداری و نیکوکاری نیرو گیرد. از همین رو، خدای متعال آنچه را که در آسمان‌ها و زمین بوده، در اختیار آدمی نهاده است. از طرفی آبادانی و عمران شهری از مسائل مورد تأکید در نگرش تمدن‌ساز پیامبر ۷ در نظام شهرسازی بوده است. و باید گفت کاشت درخت و ایجاد فضای سبز و پارک‌ها می‌تواند مصداق آبادانی و عمران شهر باشد.

در هر شهر و عمارتی، کاربری‌های مختلفی وجود دارند که هر کدام به‌طور مستقل و نسبت به سایر کاربری‌ها هویت و ویژگی‌های خاص خود را طلب می‌نماید از کاربری‌های شهر می‌توان به مسکن، بازارها، محیط آموزشی، اماکن مذهبی و بیمارستان‌ها و فضای سبز اشاره کرد. می‌توان از منابع اسلامی در مورد اصول برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری استفاده کرد؛ احکام و قواعد فقهی، فضاهای تجاری، فضاهای آموزشی، مذهبی، درمانی و مسکونی، فضای سبز و ورزشی را پوشش می‌دهد. در این مقاله به جهت گستردگی بحث فقط به حوزه کاربری فضای سبز پرداخته می‌شود.

در این راستا علاوه بر بهره بردن از آیات قرآن، روایات و سنت پیامبر گرامی اسلام ۷ و اهل بیت^۱؛ قواعد فقهی نیز ما را بر این اصول رهنمون خواهد کرد. البته لازم به ذکر است؛ در این بحث، نصوص و مستندات که آورده می‌شوند فقط عرضه و شرح شده‌اند بدون توجه به معیارهای فنی و ویژه‌ای که در بحث از مسائل فقهی مورد توجه بوده و مراعات می‌شوند، بخصوص بررسی اسناد نصوص و معیارهای مرسوم و متداول دیگر در بحث‌های فقهی.

برای محقق کردن این هدف ابتدا تبیین مفاهیم مورد نیاز صورت می‌گیرد و بعد از بیان مفاهیم، بر آن هستیم تا آیات و روایات کاربری فضای سبز را استخراج کرده و در حد توان با روش استقرائی تحلیل محتوای مبانی فقهی آن صورت پذیرد و در انتها در غالب جدول مشخص می‌شود که این احکام آیا تأثیری بر تخصیص و مکان‌یابی و در ارتقاء معنایی و افزایش عملکرد کاربری فضای سبز خواهد داشت تا مدیران شهری بتوانند در این حوزه از آن بهره‌مند شوند؟

۱- تعریف حکم شرعی

در تعریف حکم شرعی بیان شده است: «الحکم الشرعی هو التشريع الصادر من الله لتنظيم حياة الانسان و توجيهه سواء كان متعلقاً بافعاله او بذاته او باشیاء اخرى داخله فی حياته والخطابات الشرعية فی الكتاب والسنة مبرزة للحکم و کاشفة عنه وليست هی الحکم الشرعی نفسه» (صدر، ۱۴۱۲ق: ۲۳).

«حکم شرعی، حکم تشریحی که صادر می‌شود از خداوند برای تنظیم زندگی انسان و چه متعلق به افعال و یا به ذات یا اشیاء دیگری که داخل در حیات انسان است شود و خطابات شرعی در کتاب و سنت آشکار کننده حکم و کاشف از آن است و آن به تنهایی حکم شرعی نیست.»

۲- تعریف قواعد فقهی

برخی در تعریف قاعده فقهی گفته‌اند:

«انها قواعد تقع فی طریق استفادة الاحکام الشرعية الالهية و لایكون ذلك من باب الاستنباط و التوسيط بل من باب التطبيق؛ (فیاض، ۱۴۱۹ق: ۸/۱). قواعد فقهی قواعدی است که در راه به دست آوردن احکام شرعی الهی واقع می‌شوند، ولی این استفاده از باب استنباط و توسیط نبوده بلکه از باب تطبیق است.»

و در تعریف دیگر آمده است:

«إن القواعد الفقهية هی أحكام عامة فقهية تجری فی أبواب مختلفة» (همو، همان، همانجا). «قواعد فقهی، عبارتند از: دستورهای کلی فقهی که در بابهای گوناگون راه دارند.» معنای اصطلاحی قاعده، رابطه تنگاتنگی با معنای لغوی آن دارد، تهمانوی در توصیف معنای اصطلاحی قاعده می‌نویسد: آن‌ها امر کلی منطبق علی جمیع جزئیات عند تصرف احکام‌ها منه» قاعده امری است کلی که در هنگام شناسایی احکام جزئیات از آن، بر تمامی جزئیات خود منطبق باشد.

۳- تعریف کاربری زمین

کاربری زمین به معنای توزیع فضایی کارکردهای شهری است؛ پهنه‌های مسکونی، صنعتی، تجاری و مراکز شهری، اداری و فضاهایی که به اوقات فراغت اختصاص می‌یابند. و در تعریف دیگر که تفاوت محسوسی با تعریف قبل ندارد آمده است کاربری زمین به عنوان فضایی شناخته می‌شود که فعالیت مردم آن را تعریف می‌کند، یا بر اساس شرایط، کارکردی خاص پیدا می‌کند. (همان. به نقل از Chapin, ۱۹۶۵:۳-۵).

۴- مبانی فقهی کاربری فضای سبز

۴-۱- اهمیت فضای سبز

قرآن مجید بارها انسان را به عمل صالح برای رسیدن به بهشت زمینی تشویق نموده است. بهشتی که خود انسان نیز آن را در زمین تحقق می‌بخشد. «وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح، ۱۲) در این آیه نعمت‌های دنیایی را می‌شمارد و از نوح حکایت می‌کند که به قوم خود وعده فراوانی نعمت‌ها و تواتر آن را می‌دهد، به شرطی که از پروردگار خود طلب مغفرت گناهان را کنند. «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (همان، ۱۰) پس معلوم می‌شود استغفار از گناهان اثر فوری در رفع مصائب و گرفتاری‌ها و گشوده شدن درب نعمت‌های آسمانی و زمینی دارد، می‌فهماند بین صلاح جامعه انسانی و فساد آن و بین اوضاع عمومی جهان ارتباطی برقرار است و اگر جوامع بشری خود را اصلاح کنند، به زندگی پاکیزه و گوارایی می‌رسند و اگر به عکس عمل کنند عکس آن را خواهند داشت. (طباطبایی، بی تا: ۴۶/۲۰).

در آیه دیگر از باغ‌های خرم و بوستان‌های پردرخت و درواقع از بهشت زمینی سخن گفته است، (حکیمی، ۱۳۶۳: ۱۱۲/۵-۱۱۳) «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا * وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافٍ» (نبأ، ۱۴-۱۶) «و از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم تا به وسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم و باغ‌هایی درهم‌تنیده و پردرخت!»

و در آیات دیگری بوستان‌های مختلف را به تصویر کشیده است؛ «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام، ۱۴۱).

«اوست که بوستان‌هایی با داربست و بی داربست و درختان خرما و کشتزار با خوردنی‌های گوناگون و زیتون و انار همانند را بنیاد کرد. از میوه آن زمانی که به بار نشست بخورید و حق آن را روز چیدن و درو کردنش بدهید و گزاف‌کاری نکنید که او گزاف‌کاران را دوست ندارد.»

و در آیه «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّضَ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْتَلُونَ» (رعد، ۴) «و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که باهم متفاوت‌اند و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک‌پایه می‌رویند و گاه بر دوپایه (و عجیب‌تر آنکه) همه آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این‌حال، بعضی از آن‌ها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند»

و همچنین در آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام، ۹۹).

«و هم اوست خدایی که از آسمان باران فروربارد تا هر نبات بدان برویانیم و سبزه‌ها را از زمین برون آریم و در آن سبزه‌ها دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده پدید آریم و از نخل خرما خوشه‌های پیوسته به هم برانگیزیم و باغ‌های انگور و زیتون و انار که برخی مشابه یکدیگر و برخی نامشابه به هم است، خلق کنیم. شما در آن باغ‌ها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد به چشم تعقل بنگرید که در آن آیات نشانه‌های قدرت خدا برای اهل ایمان هویدا است.»

تأثیر فضای سبز و مراتع در بهداشت انسان و سلامت محیط‌زیست، مورد تأکید روایات نیز هست. پیش از نقل روایات لازم است به این نکته عنایت شود که ارزش فضای سبز و ایجاد آن، به بهره‌برداری شخصی اختصاصی ندارد، از این‌رو کاشتن برای بهره‌برداری حیوانات و پرندگان هم ارزش دارد، بلکه آنجا که کشاورز یا باغدار، امیدی به حیات و بقای خود ندارد و از بهره‌مندی شخصی ناامید است، به ایجاد فضای سبز ترغیب شده است. رسول خدا^۷ می‌فرماید: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا يَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ دَابَّةٌ أَوْ طَيْرٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» (نوری، بی‌تا: ۲۶/۱۳) اگر مسلمانی درختی بکارد و پرنده، انسان یا حیوانی از میوه آن بخورد برایش صدقه به شمار می‌آید.»

عوامل متعددی توسط رسول اکرم^۷ موجب تشویق مردم به توسعه فضای سبز و باغات و کشاورزی در مدینه گردید. از جانب حضرت بیان‌شده بود که هرکس زمین بایری را آباد کند، از آن او باشد. «مَنْ أَحْيَى أَرْضًا مَوَاتًا فَهُوَ لَهُ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۷/۱۷) ... کسی که زمین مرده‌ای را آباد کند، متعلق به خود اوست.» یا «مَا مِنْ امْرِئٍ يُحْيِي أَرْضًا فَتَشْرَبُ مِنْهَا كَبِدٌ حَرَّى، أَوْ تُصِيبُ مِنْهَا عَافِيَةٌ، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِهِ أَجْرًا؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۵۵/۵) هرکس که زمینی را احیا کند و از آب آن زمین، جگر تفتیده‌ای بنوشد، یا از محصولش، روزی جوینده‌ای نصیبی برد، خداوند متعال در قبال آن اجری برایش رقم زند.» علاوه بر آن بسیاری از زمین‌های زراعی میان اغلب مهاجران به شرط زراعت و باغداری تقسیم‌شده بود. افزون بر تشویق بر درختکاری و تداوم فضاهای سبز شهری، فرمایشات حضرت نیز مسلمانان را به این امر تشویق می‌نمود. پیامبر^۷ بزرگ اسلام فرمود: «ثَلَاثٌ يَجْلِبْنَ الْبَصَرَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالنَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَالنَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ» سه چیز مایه‌روشنی دیده‌اند: نگاه به سبزه و به آب روان و به روی نیکو. (حرآنی، ۱۳۹۴: ۴۰۹).

در ایجاد فضای سبز، گل نمود ویژه دارد؛ امیرمؤمنان A درباره اهتمام پیامبر ۷ به گل فرمود: رسول خدا ۷ با دو دستش گل محمدی به من هدیه کرد. چون آن را بوئیدم فرمود: این گل، پس از برگ و گل درخت مُورد، بهترین گل بهشتی است.^۱

در سخنی پیامبر ۷ می‌فرماید: «النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ يُسِرُّ» نگاه کردن به سبزه نشاط‌آور است. (نجفی، ۱۴۰۶ق: ۷۲). و امیرمؤمنان A نیز می‌فرماید: «النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ نُشْرَةٌ» نگاه کردن به سبزه مایه شادابی، نشاط و حیات است. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ۴۰/۲). امام صادق A می‌فرماید: «أَرْبَعُ بُضَيْنُ الْوَجْهِ: ... النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ...» نگاه کردن به [جنگل و] سبزه چهره را نورانی و درخشان می‌کند. (همو، ۱۴۰۳ق: ۲۳۷).

و نیز رسول خدا ۷ می‌فرماید: «ثَلَاثٌ يَجْلِبْنَ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ؛ نگاه کردن به سبزه دیده را روشن بخشد.» (السیوطی، ۱۴۲۹ق: ۵۳۷/۱).

پیامبر ۷ نسبت به بوی خوش گل اظهار علاقه می‌کرد و می‌فرمود: «حَبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءَ وَ الطَّيِّبُ وَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ چیزهایی که از دنیای شما محبوب من است بوی خوش است.» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۶۵) همچنین برای ترغیب به بوی خوش و تشویق به ایجاد فضای عطرآگین، فرمود: «لَوْ أَدْنَى اللَّهُ تَعَالَى فِي التَّجَارَةِ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ لَا تَجْرُوا فِي الْبَزِّ وَ الْعَطْرِ» اگر خدا به بهشتیان اذن تجارت می‌داد، به تجارت پارچه و عطر می‌پرداختند. (متقی هندی، ۱۴۱۳ق: ۳۱/۴).

از آیات و روایات برداشت می‌شود که؛

۱. ایجاد فضای سبز و کاشت درخت‌های مختلف در فضای شهر مورد اهتمام اسلام است.

۲. مدیران شهری باید قبل از هر وضع قانون و مقرراتی محیط زندگی شهروندان را به بهترین نحو برای جامعه فاضله و زیستگاه بهشتی آماده سازند.

۱. «حَبَّابِي رَسُولُ اللَّهِ ۷ بِأَلْوَرْدٍ يَكْتَلْنَا يَدِيهِ - فَلَمَّا أَذْنَيْتُهُ إِلَى أَنْفِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۷ - أَمَا إِنَّهُ سَيِّدُ رِيحَانِ الْجَنَّةِ بَعْدَ الْأَسِّ» ابن بابويه قمی، (شیخ صدوق)، ۱۳۷۸ق: ۴۰/۲-۴۱.

۳. در شهر اسلامی مسئولین متعهد و مؤمن درصدد ایجاد محیطی آرام و پاکیزه باشند تا شرایط عبودیت و بندگی و زیست مؤمنانه فراهم گردد.
۴. اسلام تعقل در تمام مخلوقات عالم از جمله درختان و گیاهان را مؤثر در کمال روحی انسان می‌داند.
۵. استفاده مناسب از آب باران.
۶. اهتمام مضاعف در ایجاد باغ‌های انگور و زیتون و انار و نخل.
۷. مدیران شهری باید توجه کنند، اگر جلوه و روشنایی چشم افراد در دیدن فضای سبز و آب روان است، پس ایجاد و حفظ باغ و بوستان و فضای سبز و روان ساختن جوی آب، مطلوب اسلام است لذا در ایجاد و حفاظت آن کوتاهی روا نیست.
۸. نباید در نگهداری منابع زیست‌محیطی و مراتع و مزارع و گل و گیاه، سستی کرد. اگر فضای سبز با زراعت یا کاشت دانه درختی همراه باشد، چه‌بسا خیر مضاعف محسوب شود.

۴-۲- شروط لازم متصدی منابع زیست محیطی

اگر کسی بخواهد تصدی منصبی را بپذیرد باید از صفاتی برخوردار باشد از جمله داشتن تعهد و تخصص اودر آن منصب است. درقرآن کریم آمده است: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلِي خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف، ۵۵) گفت مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم».

هنگامی که سرزمین مصر را بحران طبیعی فرا گرفت حضرت یوسف از پادشاه کشور خواست تا درآمدهای همه مملکت زیر نظر او باشد زیرا اولاً عبارت «خزائن الارض» عمومیت دارد و. ارض محدوده وسیع کشور مصر را فرا می‌گیرد. ثانیاً در حرف وجود مبارک حضرت یوسف سخن از خزائن و مملکت است، نه سخن از خزینه و دولت.

ایشان برای تصدّی مملکت می‌گویند که از دو ویژگی حفیظ و علیم بودن نیز برخوردار است - پس در یک مسئول دو خصوصیت معتبر است یکی اینکه بتواند آنها را خوب حفظ بکند، امین باشد و خیانت نکند دیگر اینکه کارشناس در رشته خودش باشد. این دو شرط لازم، بلکه کافی برای تصدی مناصب می‌باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد که تصدی محیط زیست نیز تنها باید بر عهده اشخاصی باشد که از دو ویژگی تعهد و تخصص برخوردارند.

۳-۴- آراستن ورودی‌های شهر به فضای سبز

در آیه زیر از سرزمین بهشت گونه‌ای به «شهر پاکیزه» تعبیر نموده است که شاهد ما نیز هست.

در سوره سبأ آمده است: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّاتٍ عَن يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَا هُم بَجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتِينَ ذَوَاتِي أَكُلِ خَمْطٍ وَ أَثَلٍ وَ شَىءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ * ذَالِكَ جَزَايَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نَجْزِي إِلَّا الْكَفُورَ» (سبأ، ۱۵-۱۷).

«برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان و به آن‌ها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به‌جا آورید شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! اما آن‌ها (از خدا) روی گردان شدند و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم! این کیفر را به خاطر کفرانشان به آن‌ها دادیم و آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم.»

در این آیه خداوند ابتدا از یک شهرآباد و تمیز با دو باغ سرسبز در ورودی و خروجی شهر تمجید می‌کند. سکونت‌گاه طیب حکایت از وجود هوای پاک و نسیمی فرح‌افزا و سرزمینی حاصلخیز و درختانی پر بار است که قوم سبأ از آن بهره‌مند بودند.

«كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ» در این جمله امر می‌کند رزق پروردگارتان را از این دو مزرعه بخورید و این کنایه است از اینکه این دو مزرعه از جهت حاصلخیزی تمامی اقتصاد آن مردم را اداره می‌کرده، آنگاه بعد از امر به خوردن رزق، امر به شکر پروردگار می‌کند، که چنین نعمتی و رزقی مرحمت کرده و چنین سرزمینی به آن‌ها داده «بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ» شهری پاکیزه و ملایم طبع و حاصلخیز و پروردگاری آمرزنده، که بسیار می‌آمرزد

و با یک گناه و دو گناه و ده گناه بنده خود را مؤاخذه نمی‌نماید. (طباطبایی، بی‌تا: ۵۴۹/۱۶). این شهر پاکیزه و پربرکت، خاکش شیرین، از آن، همه گونه گیاه و درخت، بیرون می‌آید، زمین شوره و سخت نیست و در آن چیزی از حشرات موذی و آزار کننده وجود ندارد. (طبرسی، ۱۳۸۷: ۲۴۴/۲۰).

لذا این جمله کوتاه مجموعه نعمت‌های مادی و معنوی را به زیباترین وجهی منعکس ساخته از نظر نعمت‌های مادی سرزمین پاک و پاکیزه داشتند، پاک از آلودگی‌های گوناگون، از دزدان و ظالمان، از آفات و بلاها، از خشک‌سالی و قحطی، از ناامنی و وحشت و حتی گفته می‌شود از حشرات موذی نیز پاک بود. هوایی پاک و نسیمی فرح‌افزا داشت و سرزمینی حاصلخیز و درختانی پر بار و اما از نظر نعمت معنوی، غفران خداوند شامل حال آن‌ها بود، از تقصیر و کوتاهی آن‌ها صرف‌نظر می‌کرد و آن‌ها را مشمول عذاب و سرزمینشان را گرفتار بلا نمی‌ساخت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۹/۱۸).

البته وقتی مردم سبا از شکر خدا و عبادت او که بدان مأمور شده بودند، روی گردانیدند، خداوند کیفرشان کرد، که در بحث بعدی خواهد آمد.

لذا با توجه به اینکه این دو باغ با وصف خاص خود از نعم الهی معرفی شده است براین اساس، برداشت می‌شود که بهتر است در ورودی‌های شهر باغ و بوستان و یا فضاهای سبز ایجاد گردد که آسایش روح همراه با انبساط خاطر را به تازه واردین القاء کند.

۴-۴- خصوصیات باغ‌ها و فضای سبز

براساس آیات الهی چنین به نظر می‌رسد که باغ و بوستان‌ها باید از خصوصیتی برخوردار باشند که عبارت‌اند از:

۱. سایه درختانش، گسترده، بلند و کشیده باشد و نیز سایه‌سارها پایدار باشند. خداوند می‌فرماید: «... میوه و سایه‌اش پایدار است» «أَكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا» (رعد، ۳۵) و فرمود «هُمْ وَ أَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ» (یس، ۵۶) «و آن‌ها و همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تخت‌ها تکیه می‌زنند.»

و فرمود: «وَ ظِلٌّ مَمْدُودٍ» (واقعه، ۳۰) و فرمود «وَ نَدْخَلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا» (نساء، ۵۷).

۲. از میان این باغ و بوستان نهرهایی روان، جاری باشد. خدای متعال در وصف بهشت می‌فرماید: «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (همان، ۱۲۲) «و بوستان‌هایی که از زیر درختان آن نهرها روان است.»

۳. درختان میوه‌دار و در دسترس باشند. «أَكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا» (رعد، ۳۵) و «میوه و سایه‌اش پایدار است.»

نیز می‌فرماید: «قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ» (الحاقه، ۲۳) «و میوه‌هایش در دسترس است.»

۴. بوستان‌ها و باغستان‌ها بهجت انگیز باشد. خدای متعال می‌فرماید: «حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» (نمل، ۶۰) «باغ‌های بهجت انگیز رویانندیم» (البهجة)

گفته‌اند: بهجت درخت، خرّمی آن است و نیز گفته‌اند بهجت خرّمی و خوش‌رنگی هر چیز است. البهجة: حُسْنُ لَوْنِ الشَّيْءِ وَ نَضَارَتُهُ؛ و قیل: هو فی النبات النَّضَارَةُ. (ابن‌منظور، ۴۱۴ق: ۲/۱، ۲۱۶).

این آیه اشاره دارد که باغستان‌ها باید گیاهانی تازه، خرم و بهجت‌انگیز و خوش‌رنگ، داشته باشد نه اینکه گیاهانشان زرد و پژمرده و درختانشان پیر و کهن‌سال و رنگ‌باخته باشد.

لذا با توجه به آنچه بیان شد بهتر است شهر محیط بهجت‌آور و شادی‌آفرین باشد و بهترین فضا برای این امر می‌تواند پارک‌ها و فضای سبز و درختکاری در شهر باشد. این امر باید متناسب جمعیت محله‌ها و منطقه و شهر صورت گیرد.

۴-۴- توجه دادن به درختکاری

شایسته است مسلمانان نسبت به کاشتن و حفظ درخت کوتاهی نکنند، زیرا درختان در سالم‌سازی و پاکیزگی هوا تأثیر ویژه دارند. اهتمام اسلام به درختکاری و افشاندن دانه، کاملاً در متون دینی مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گاهی کاشتن درخت، در ردیف بهترین و مقدس‌ترین کارهای خیر قرار می‌گیرد، چنانکه رسول اکرم در ضمن حدیثی درختکاری را در کنار تعلیم دانش، ساختن مسجد، به ارث گذاشتن قرآن یا کتاب علمی

سودمند دیگر و... قرار داده است^۱ که اهتمام آن حضرت به درختکاری را می‌رساند. در نگهداری درخت و آبیاری آن سفارش‌هایی از معصومین رسیده است؛ پیامبر گرامی^۷ فرمود: «مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا؛ (عیاشی، ۴۲۰:ق: ۸۶/۲) هر کس درخت طلح و سدر [درخت نیازمند به آب] را سیراب کند، گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب کرده است.»

اهمیت درختکاری چنان است که رسول خدا^۷ درباره آن فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ؛ هر کس درختی بکارد، خدا به اندازه محصول آن، برایش پاداش می‌نویسد.» (السیوطی، ۴۲۹:ق: ۵۱۴/۲) و نیز حضرت^۷ می‌فرمودند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْفَسِيلَةُ فَإِنَّ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا؛ اگر ساعت قیامت برپا شود و دست شما یک نهال باشد، اگر قدرت دارد که درخت بکارد، باید آن را انجام دهد.» (نوری، بی‌تا: ۴۶۰/۱۳)

امام صادق A می‌فرماید: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ يَخْرُجُ وَمَعَهُ أَحْمَالُ النَّوَى فَيَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا هَذَا مَعَكَ فَيَقُولُ نَخْلٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَيَغْرِسُهُ فَلَمْ يُعَادِرْ مِنْهُ وَاحِدَةً؛ (کلینی، ۱۳۹۱:ق: ۷۵/۵) امیرمؤمنان A با خود بارهای هسته خرما را حمل می‌کرد. پرسیدند: ای ابوالحسن! چه چیزی همراه داری؟ فرمود: اگر خدا بخواهد درخت خرماست، پس آن‌ها را کاشت و هسته‌ای را فرونگذاشت.»

رسول خدا^۷ می‌فرماید: «... نِعْمَ الشَّيْءُ النَّخْلُ مَنْ بَاعَهُ فَإِنَّمَا ثَمَنُهُ بِمَنْزِلَةِ رَمَادٍ... إِلَّا أَنْ يُخْلِفَ مَكَانَهَا...؛ (نوری، بی‌تا: ۴۶۰/۱۳) بهترین [و بابرکت‌ترین] چیز، درخت خرماست، هر کس آن را فروخت پولش همچون خاکستری بر باد رود، مگر اینکه چیزی جایگزین آن کند.»

^۱. «سَبْعَ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا أَوْ أَجَزَى نَهْرًا أَوْ حَفَرَ بَيْتًا أَوْ غَرَسَ نَخْلًا أَوْ بَنَى مَسْجِدًا أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا أَوْ تَرَكَ وَوَلَدًا يُسْتَعْفَرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ»، متقی هندی، ۱۴۱۳:ق: ۱۵ / ۹۵۳-۹۵۴.

البته چه بسا این ترغیب‌ها اختصاص به نخل ندارد، بلکه در هر محیطی، نشان دادن درخت مفید و مناسب آن محیط، می‌تواند باقیات‌صالحات باشد.

امام صادق A در مورد زراعت این چنین بیان می‌کنند: «عن ابی عبد الله قال: «إِزْرَعُوا وَإِغْرَسُوا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَلَا أَطِيبَ مِنْهُ وَاللَّهُ لَيَزْرَعَنَّ الزَّرْعَ وَلَيَغْرِسَنَّ الْغَرْسَ بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۲۱/۵) «امام صادق A فرمود: زراعت کنید و درخت بکارید به خدا قسم هیچ عملی مباح‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست. به خدا قسم در آخر زمان نیز مردم زراعت می‌کنند و درخت می‌نشانند.»

ادامه بهره‌مندی از درختکاری برای پس از مرگ نیز بیان شده است رسول خدا v فرمودند: «خَمْسَةٌ فِي قُبُورِهِمْ وَ ثَوَابُهُمْ يَجْرِي إِلَيَّ دِيْوَانِهِمْ مَنْ غَرَسَ نَخْلًا» پنج گروه‌اند که در گورهایشان به سر می‌برند؛ لیکن ثواب و پاداش کارهایشان به دیوان و نامه عملشان جاری می‌شود... [یکی از آن‌ها] آن که نخلی نشانده است. (شعیری، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

و نیز امام صادق A هم می‌فرماید: «سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ... غَرَسُ يَغْرِسُهُ» از چیزهایی که مؤمن پس از مرگش از آن‌ها بهره‌مند می‌شود نهالی است که آن را کاشته است. (شیخ صدوق، ۱۳۸۹: ۱۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶، ۲۹۳).

درواقع فضایل و پاداش‌ها در این روایات فقط به جهت داشتن منفعت فردی نیست؛ و چه بسا به اولویت ترغیب و تشویق برای جهت اجتماعی آن باشد؛ تا علاوه بر اینکه خود شخص سود می‌برد دیگران نیز از حاصل کار او بهره‌مند شوند.

با توجه به اهمیت اسلام به درختکاری و نشان دادن نهال، مدیران شهری را به این مهم رهنمون می‌سازد که از درختکاری در فضاهای سبز و حاشیه‌های خیابان‌ها غفلت نورزند.

۴-۵- رعایت زیبایی در شهر با افزایش فضای سبز و درختکاری

در این باره روایاتی در دست است که بر بایستگی رعایت جانب جمال و زیبایی در بنا، بلکه در همه حالات دلالت دارد؛ مانند امر به زیباسازی خانه که در فصل کاربری مسکونی گذشت. چنانچه از امام صادق A نقل شده است: «خدا زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و از بینوایی و بینوا نمایی بیزار است؛ چون خداوند - عزوجل - هرگاه

بنده‌ای را نعمتی عطا کند دوست دارد نشان آن را بر آن ببیند». عرض شد از چه راه؟ فرمود: «جامه پاکیزه بپوشد، بوی خوش به خویش زند، خانه‌اش را زیبا سازد، جلوی در خانه‌اش را بروبد، حتی روشن کردن چراغ بیش از غروب آفتاب، فقر را از میان می‌برد و روزی را فزونی می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۳، ۱۷۶ و ۳۰۰ و ۳۰۳) از آنجاکه حضرت تأکید بر زیباسازی خانه داشته‌اند می‌توان برداشت کرد، به اولویت، شهر که جایگاه اجتماع مسلمین است، چه بسا به زیبایی و زیباسازی در آن تأکید بیشتری باشد؛ و این امر می‌تواند با ایجاد باغ و بستان و فضای سبز و گل و گیاه به ثمر رسد. چه بسا وجود باغ‌های وسیع و سرسبز درون شهرها و نقاط جمعیتی و استفاده از آب و سایر جلوه‌های طبیعی در فضاهای شهرهای مختلف ایران از جمله اصفهان در همین راستا باشد.

روایتی است از امام صادق A که فرمود: «لَا تَطِيبُ السَّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاءُ الطَّيِّبُ، الْمَاءُ الْغَزِيرُ الْعَذْبُ وَالْأَرْضُ الْخَوَارِةُ» (همان، ج ۷۵، باب ۲۳، ۲۳۳) محیط زندگی بدون سه عامل گوارا نیست: هوای پاک، آب گوارا و زمین حاصلخیز» مسلماً زمانی که زمینی حاصلخیز و آب گوارا در دسترس باشد می‌توان فضاهای سبز و باغ و بستان ایجاد کرد و مسلماً هوا هم پاک خواهد شد.

از طرفی، اسلام اجازه نمی‌دهد کسی در آب مصرفی مردم، بدن یا لباسش را شستشو کند و حضرت به کسی که این‌گونه عمل می‌کرد، فرمود: «وَلَا تُفْسِدُ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ» (کلینی، ۱۳۹۱ق: ۶۵/۳) آب مردم را فاسد نکن.

امام صادق A نیز از ادرار در نهر آب نهی فرمود: «وَلَا تَبِلُ فِي مَاءٍ تَقِيعُ» (همان، ۵۳۴/۶).

در حدیثی دیگر می‌خوانیم:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَتَغَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ بَيْتِ مَاءٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهَا أَوْ شَطِّ نَهْرٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمِرَةٍ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۹۷/۱) رسول خدا ۷ از نشستن برای تخلی در کنار چاه و جوی آبی که به مصرف آشامیدن می‌رسند و همچنین زیر درخت میوه‌دار نهی فرمود.

۴-۶- ممنوع ساختن قطع درختان و تخریب باغ و بوستانها

آیه اول: خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل، ۱۱۲).

«خداوند [برای آن‌ها که کفران نعمت می‌کنند] مثلی زده است: منطقه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش به‌طور وافر از هر مکانی فرامی‌رسید؛ اما نعمت خدا را کفران کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.»

در آیه فوق سخن از یک منطقه آباد و پر نعمت به میان آمده که مردمش بر اثر کفران نعمت گرفتار ناامنی و گرسنگی و بدبختی می‌شوند.

«کفران نعمت» یعنی بهره‌برداری بی‌جا از داده‌ها و داشته‌ها و شکر نعمت مقابل آن و به معنای بهره‌وری صحیح و به‌جا از آن‌هاست. به‌موجب آیات متعددی در قرآن مجید نتیجه کفران نعمت، از دست رفتن آن است. البته در قرآن فقدان نعمت را که محصول کفران نعمت است مانند سایر پدیده‌ها به خداوند که علة العلل است، منتسب می‌سازد؛ ولی کاملاً یک سنت مسلم در جهان را نشان می‌دهد که بهره‌وری بی‌جا و بی‌رویه از نعمت‌های طبیعی و داده‌های الهی، نتیجه‌اش سلب نعمت است.

قرآن در این آیه در مقام بیان یک قانون کلی حاکم بر جهان هستی است و به‌هیچ‌وجه حکایت از یک واقعه خاص نمی‌کند. کلمه «مثلاً» نیز می‌تواند شاهد همین برداشت باشد. مفاد این حکم حاکم بر هستی، آن است که نتیجه شکر نعمت، یعنی بهره‌برداری و به‌کارگیری صحیح نعمت‌های طبیعی بقا و ازدیاد نعمت‌هاست و متقابلاً نتیجه بهره‌گیری غیر صحیح و به‌جا استفاده نکردن از نعمت‌های الهی، از دست رفتن آن است. در بسیاری موارد نتیجه کفران نعمت را عذاب الهی معرفی نموده است. گویی از دست رفتن نعمت‌های طبیعی مجازاتی است که خدای بزرگ بر گناه کفران نعمت مترتب نموده که عذابی الیم است.

آیه دوم: قرآن در سرنوشت سرزمین سبا وضع بازپسین این سرزمین را چنین توصیف می‌کند:

«فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ» (سبأ، ۱۶) «که ما دو سرزمین وسیع و پر نعمت آن‌ها را به دو سرزمین خشک با درختان بیابانی که بار درختانش تلخ و ترش و بدطعم بود و سرزمینی با درختان شوره گز (اثل)^۱ و اندکی از درخت کنار^۲ مبدل ساختیم» بعد می‌فرماید: «ذَلِكَ جَزَائُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ» (سبأ، ۱۷). «این کیفر را بدان جهت به آنان دادیم که «کفران» کردند و مگر ما جز کفران‌گر را کیفر می‌کنیم؟»

در آیات فوق اشاره به سرگذشت شهری شده که قرآن مجید آن را «بلده طیبه» یعنی شهر پاک نامیده است. در این شهر در جوار منازل مسکونی مردم، باغ‌های سرسبز میوه‌جات مختلف در دو سوی شهر راست و چپ وجود داشت؛ ولی در پی کفران نعمت، باغ‌های راست و چپشان همه ویران شد و به جای آن‌همه درختان خرم و سرسبز، مستی درخت بیابانی وحشی و بسیار کم‌ارزش روید. قرآن به سه نوع درخت بی‌ارزش اشاره می‌کند و ممکن است بیان این سه نوع درخت که در آن سرزمین ویران باقی ماند، اشاره به سه گروه مختلف باشد که بخشی از این درختان زیان‌بخش بود و بعضی بی‌مصرف و بعضی بسیار کم‌منفعت بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۰/۱۸).

در آیه بعد به‌عنوان یک نتیجه‌گیری با صراحت می‌گوید: «این مجازاتی بود که ما به خاطر کفرانشان قائل شدیم: «ذَلِكَ جَزَائُهُمْ بِمَا كَفَرُوا»؛

اما این ناسپاس مردم قدر این همه نعمت را ندانستند از بوته آزمایش سالم بیرون نیامدند، راه کفران و اعراض را پیش گرفتند و خداوند نیز آن‌ها را سخت گوشمالی داد. لذا در آیه بعد می‌فرماید: «آن‌ها از خدا روی گردان شدند» (فَأَعْرَضُوا) نعمت‌های خدا را ناچیز شمردند، عمران و آبادی و امنیت را ساده انگاشتند، از یاد حق غافل شدند و مست نعمت گشتند، اغنیاء بر تهیدستان فخرفروشی کردند و آن‌ها را مزاحم حال خویش پنداشتند.

^۱. اثل نوعی گیاه گز که در نواحی شوره زار می‌روید.
^۲. کنار: سدر که در مناطق گرمسیری و بیابانی رشد می‌کند.

اینجا بود که شلّاق مجازات بر پیکر آن‌ها نواخته شد، چنان‌که قرآن می‌گوید: «ما سیل وحشتناک و بنیان‌کن را بر آن‌ها فرستادیم.» و سرزمین آباد آن‌ها به ویرانه‌ای مبدل شد (فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ).

سپس می‌فرماید درحالی‌که قریه‌ها را به هم نزدیک قراردادیم «وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ» یعنی سیر در آن قریه‌ها را به نسبتی متناسب قراردادیم، نه مختلف، به طوری‌که نسبت مسافت بین اولی و دومی، برابر بود با نسبت مسافتی که بین دومی و سومی بود، «سَيِّرُوا فِيهَا لِيَالِيٍّ وَأَيَّاماً آمِنِينَ» یعنی و به ایشان گفتیم که: در این قریه‌ها سیر کنید، درحالی‌که ایمن باشید، اگر خواستید در روز گردش کنید و اگر خواستید در شب و به این معنا که آن‌چنان امنیت در این قراء برقرار کردیم، که سیر شب و روز در آن‌ها فرقی نداشت، هر وقت می‌خواستند می‌توانستند با آرامش خاطر به سیر بپردازند. آنان قدر نعمت را ندانسته و گفتند: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» یعنی از زیادی نعمت ملول شده و به تنگ آمدند و گفتند: پروردگارا بین سفرهای ما دوری بینداز، یعنی سفرهایمان را طولانی کن تا مسافت‌های دور برویم و بار سفر دور ببندیم، بیابان‌ها و بادیه‌ها بپیماییم و این کفران و طغیانی بود از ایشان، همان‌طور که بنی‌اسرائیل کفران و طغیان کرده، از من و سلوی به ستوه آمدند و تقاضای سیر و پیاز کردند.

کوتاه‌سخن، این‌که خداوند نعمت را بر آنان تمام کرد، هم در سفر که سفرهایشان را کوتاه و راه‌هایشان را امن و نعمت را فراوان کرد و هم در حضر و انتظار داشت که شکر نعمت‌هایش را به‌جا آورند، ولی آنان کفران نعمت کردند، هم در سفر و هم در حضر، خداوند هم در عذابی که خودشان خواستند شتاب نمود، شهرها و دیارشان را خراب و جمعشان را پراکنده ساخت.

اما برای اینکه تصور نشود این سرنوشت مخصوص به این گروه بود، بلکه عمومیت آن نسبت به همه‌کسانی که دارای اعمال مشابهی هستند مسلم است، چنین می‌افزاید: «آیا جز کفران کنندگان را به چنین مجازاتی گرفتار می‌سازیم؟» (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۶، ۵۴).

البته به‌هیچ‌وجه نمی‌شود منکر عذاب‌های الهی بود، ولی در اینکه نتیجه سوءاستفاده از منابع طبیعی و به کاربری غیرصحیح نعمت‌های خدادادی توسط بشر نیز، به‌طور طبیعی موجب سلب نعمت از آن‌ها می‌گردد و جامعه را مبتلا به عذابی الیم می‌سازد،

تردیدی ندارد. در حقیقت سلب نعمت، مجازات اعمالی است که انسان‌ها به دست خودشان برای خویش فراهم ساخته‌اند. (محقق داماد، <https://cgie.org.ir/fa/news/>، ۱۳۴۰۲).

بارزترین نمونه این تبدیل نعمت به کفران به چشم می‌خورد، نیروهای مختلف جهان طبیعت، در پرتو هوش و ابتکار خدادادی بشر به دست وی مهارشده، به‌جای آنکه در مسیر رضای خدا به کار گرفته شود، در جهت تخریبی و ظلم و فساد به کار گرفته می‌شود. جنگل‌ها و مراتع سرسبز در اثر بهره‌برداری نامشروع و بی‌رویه به سرزمین‌های بایر و بیابانی تبدیل می‌گردند و نسل بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری به نابودی سپرده می‌شود. (اصغری لقمنجانی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). که بدون تردید، این‌گونه دگرگون‌سازی نعمت‌های الهی که تبدیل باغ‌ها و جنگل‌ها به سرزمین بایر و بی‌آب‌وعلف است، مصداق بارز کفران نعمت است که به دست خود آدمی صورت می‌گیرد. (همان، ۱۱۱).

آیه سوم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱) «فساد و تباهی به‌واسطه اعمال خود مردم خشکی و دریا را فراگرفت تا خداوند وزر و وبال برخی از رفتارها و باورهای نادرست مردم را به آنان بچشاند، باشد که بازگردند.»

بر این امر تأکید دارد که فساد خواه مستند به سوء تدبیر بعضی از انسان‌ها باشد مانند جنگ‌ها و برداشت‌های ناصحیح از منابع و خواه مستند به آن نباشد، مثل زلزله و سیل و حوادث طبیعی؛ و تمام این فسادها که در زمین و در عالم پدید می‌آید، محیط‌زیست سالم را از بین می‌برد.

آیه چهارم: «وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (اعراف، ۳۱) «هر کسی که نعمت خدا را پس از آنکه به او رسید دگرگون سازد (بداند که) خداوند سخت کیفر است.»

باید توجه داشت، نعمت‌های الهی وسایلی است که طرز برداشت از آن‌ها بستگی به اراده خود انسان دارد. انسان می‌تواند از نعمت‌ها در مسیر ایمان و خوشبختی و نیکی بهره‌برداری کند و یا آن‌ها را در مسیر کفر و ظلم و بدی به کار گیرد. جنگل‌ها و مراتع سرسبز در اثر بهره‌برداری نامشروع و بی‌رویه به سرزمین‌های بایر و بیابانی تبدیل

می‌گردند و نسل بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری به نابودی سپرده می‌شود. (اصغری لافمنجانی، همان، ۱۱۰).

آیه پنجم: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (بقره، ۲۱۱) «از نعمت‌های خداوند بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.»

در این آیه، دو امر اباحی و یک نهی تحریمی آورده شده است: به خوردن و آشامیدن اجازه داده و از تعدی در آن دو نهی می‌کند؛ بنابراین، این آیه و آیات دیگری که مربوط به اسراف و نهی از آن در قرآن کریم آمده است (همانند آیه ۱۴۱ سوره انعام؛ آیه ۶ سوره نساء؛ آیه ۶۷ سوره فرقان؛ آیه ۲۷ سوره اسراء؛ آیه ۱۵۱ سوره شعراء؛ آیه ۸۳ سوره یونس؛ و آیه ۴۳ سوره غافر)، جملگی دلالت بر حرمت اسراف دارند. نراقی در عوائدالایام می‌نویسد: «بحثی در حرمت اسراف نیست و اجماع قطعی، بلکه ضرورت دینی و آیات زیاد و روایات بسیار بر حرمت آن دلالت دارد.» (نراقی، ۱۳۶۱: ۶۱۵).

سخن در این است که آیا حرمت اسراف صرفاً مربوط است به اموال شخصی یا آنکه شامل اموال عمومی و منابع زیست‌انسانی که متعلق به جامعه است نیز می‌شود؟ به نظر می‌رسد خطاب در درجه نخست مربوط است به منابع اولیه زیست‌انسانی، بلکه منابع حیاتی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا این منابع در دست انسان‌ها به‌عنوان ودیعه و امانت است و تجاوز در آن خیانت محسوب می‌گردد. از کلمات لغویین و مفسران نیز چنین به دست می‌آید که یکی از معانی اسراف، تجاوز از حد و اعتدال است.

پس در مقام افساد و تخریب هم باید گفت که اسراف صدق می‌کند؛ چراکه خداوند در سوره شعرا بایبان نعمت‌ها و عناصر زیست‌محیطی و مسئولیت انسان در برابر آن‌ها و عدم اطاعت از اسراف‌کاران، می‌فرماید: «الَّذِينَ يُلْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (شعراء،

۱۵۲) «به این معنا که اسراف فساد است و اسراف‌کار مفسد محسوب می‌شود.»

بنابراین تخریب و آلوده ساختن منابع و عناصر زیست‌محیطی، در واقع تجاوز به حق حیات و داشتن محیط زیست سالم بوده و خود از مصادیق اسراف محسوب می‌شود که خداوند از آن نهی فرموده است.

حرمت تکلیفی اسراف مقدمه‌ای است برای حکم وضعی یعنی مسئولیت مدنی و ضمان قهری است. باید توجه داشت ضمان و مسئولیت در ایجاد خسارت به منابع زیستی صرفاً مرتبط با حقوق خصوصی نیست، بلکه جنبه عمومی دارد؛ بنابراین هرچند که مثلاً مصرف بی‌رویه آب چنانچه منجر به خسارت دیگران شود، مانند اینکه حیوانات دیگری بر اثر تشنگی تلف شوند و یا درختان باغ دیگری خشک شود، شخص ضامن است، ولی از دلایل ذکر شده چنین استنباط می‌شود که منابع زیستی چنانچه از رهگذر مصرف بی‌رویه، قربانی تضییع و اتلاف گردد مسئولیت دارد، اگرچه مالکیت شخصی نداشته باشد. (محقق داماد، بخش هفتم <https://cgie.org.ir/fa/news/> ۱۲۴۰۲) حجت‌الاسلام قرائتی نیز، تخریب منابع طبیعی را مصداق فساد در زمین می‌داند. (قرائتی، ۱۳۹۳: ۴۱).

حضرت مولی علی در پاسخ عبدالله بن زمعه، از اصحابش که تقاضای سهم بیشتری از بیت‌المال داشت، فرمودند: «ان هذا المال لیس لی و لا لک و انما هو فئی المسلمین و جلب اسیافهم. فان شرکتهم فی حربهم، کان لک مثل حظهم و الا فجاناه ایدیهم لا تکون لغير افواههم؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲) این مال نه از آن توست نه از آن من، بلکه غنیمت مسلمین و اندوخته شمشیرهای ایشان است. پس اگر با آن‌ها در کارزارشان شریک بودی، تو هم مانند آن‌ها نصیب و بهره برده‌ای، وگرنه تو را بهره‌ای نیست؛ زیرا چیده دست آن‌ها برای دهان دیگران نیست!» به کارگزارانشان نوشتند: «ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عنی فضولکم و اقصدوا قصد المعانی و ایاکم و الا کثار فان اموال المسلمین لا تحتل الاضرار» (نهج السعاده، ج ۴، نامه ۱۲، ۳۰) «نوک قلم‌هایتان را ریز کنید، سطور را به هم نزدیک کنید، کلمات زیادی را نسبت به من [در نوشتن گزارش] حذف کنید. محتوی و مفهوم اصلی را بیان کنید. از زیاد نوشتن بپرهیزید که اموال مسلمین ضرر را تحمل نمی‌کند.»

از فحوا کلام به دست می‌آید زیاده‌روی در مصرف و استفاده از اموال عمومی، بی‌توجهی و بی‌دقتی نسبت به آن، تخریب جنگل‌ها و مراتع از فاحش‌ترین اقسام اسراف در اموال عمومی است.

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱) «اوست که شما را از زمین پدید آورده و از شما خواسته است که در آن آبادانی کنید.»
طبق آیه کریمه، از انسان خواسته شده که زمین را آباد و آماده بهره‌برداری از فواید مطلوب آن کند؛ چراکه احیا نکردن و مصرف نکردن زمین در جهتی که برای آن آفریده شده و یا به کار بردن در غیر آن جهت، کفران نعمت‌های خداوند است.
جنگل‌ها و پارک‌ها و مراتع که از رؤس انفال و ثروت‌های عمومی هستند به یقین نقش عمده در محیط زیست سالم بشری دارند. این منابع به گونه‌های مختلف مورد آسیب قرار دارند. از سویی اقدامات دولتی برای توسعه‌های شهری و کشوری و از سوی دیگر این منابع همیشه مورد چشم‌داشت افراد و اشخاصی بوده که به قصد سودجویی و تکاثر ثروت آشکارا و مخفیانه به بریدن درختان دست می‌یازند، گاه جنگل را تبدیل به زمین زراعی و گاه مستقیماً به احداث ساختمان و ویلا مبادرت می‌ورزند.
روایات زیادی در مورد حفظ منابع زیست‌محیطی و اجتناب از آلوده سازی آن‌ها وارد شده است.

رسول خدا^۷ قطع درختان را تا فاصله یک بریدی مدینه ممنوع ساخت.^۱
درباره قطع درخت نیز آن بزرگوار فرمودند: «مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً صَوَّبَ اللَّهُ رَأْسَهُ فِي النَّارِ»، هر کس [بی‌جهت] درخت سدري را قطع کند خدا سرش را در آتش فرومی‌برد.
(مجلسی، ۴۰۳: ۱۱۳/۶۳).

چنان‌که از امام صادق A نقل شده است: درخت‌های ثمردهنده را قطع نکنید که (اگر چنین کنید) خدا سخت بر شما عذاب فرومی‌ریزد. (کلینی، ۱۳۹۱: ۲۶۴/۵). البته چنانچه از روایات برداشت می‌شود قطع درختان در موارد ضروری بلامانع است؛ از امیر مؤمنان نقل شده است: از عوامل افزایش عمر رها کردن آزار دیگران، احترام به پیران، صلح‌رحم و اینکه از بریدن درخت سبز پرهیز شود، مگر برای ضرورت. (مجلسی، ۴۰۳: ۲۶۴/۵). از امام رضا A نیز نقل است که قطع درخت (در صورت نیاز) با تبدیل و جایگزینی، مانعی ندارد

^۱ . از روایاتی که از امامان B نقل شده است، چنین برمی‌آید که اندازه هر برید چهار فرسخ بوده است. نجفی، ۱۹۸۱ م: ۲۰۱-۱۹۳/۱۴.

و فرمودند: امام کاظم A درخت سدري را قطع کرد و درخت انگوري به جای آن کاشت.
(کلینی، همان، ۲۶۳/۵-۲۶۴).

آنچه از آیات و روایات فوق نتیجه می‌شود:

۱. گناه کفران نعمت، از دست رفتن نعمت‌های طبیعی را که مجازاتی است از سوی خداوند بزرگ به دنبال دارد.

۲. دگرگون‌سازی نعمت‌های الهی که تبدیل باغ‌ها و جنگل‌ها به سرزمین بایر و بی‌آب‌و‌علف است، مصداق بارز کفران نعمت است که به دست خود آدمی صورت می‌گیرد.

۳. سلب نعمت، نتیجه سوءاستفاده از منابع طبیعی و به کاربری غیر صحیح نعمت‌های خدادادی توسط بشر است.

۴. تخریب و آلوده ساختن منابع زیست‌محیطی، از مصادیق اسراف محسوب می‌شود که خداوند از آن نهی فرموده است.

۵. مدیران شهری همت بر منع از تخریب و محافظت از فضاهای سبز و باغ‌ها و بوستان‌ها و درخت‌های در سطح شهر داشته باشند.

لذا از ظاهر روایات که برای قطع درختان عذاب بیان شده است، به دست می‌آید که قطع درختان در غیر موارد ضروری حرمت دارد.

۴-۷- قاعده لاضرر

بر اساس قاعده ضرر، قانونگذار حق ندارد قانونی وضع کند که به تخریب محیط زیست بینجامد. افزون بر آن، هر گونه رفتار مردم که به اضرار محیط زیست بینجامد، نامشروع بود و مشمول نهی تکلیفی است.

از طرفی شمول قاعده لاضرر بر عدمیات است. در این صورت باید گفت نه تنها خسارت‌های ناشی از اقدام‌های تخریبی با قاعده لاضرر برداشته می‌شود. بلکه چنانچه ترک اقدام‌های اصلاحی و سازنده هم به اضرار محیط زیست بینجامد، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد.

بنابراین، دولت اسلامی و متصدیان محیط زیست، خود را مکلف می‌یافتند که در مرحله قانونگذاری و وضع مقررات و به کارگیری تدابیر اجرایی، همه توان خود را برای اصلاح محیط زیست و حمایت از آن صرف کنند.

برای مثال به کارگیری روش‌های علمی برای جلوگیری از فرسایش خاک، احیای مراتع و جنگل‌ها و گسترش فضای سبز همه اقدام‌های بایسته‌ای است که ترک آن‌ها به زیان‌های جبران‌ناپذیری می‌انجامد و قاعده لا ضرر با آن مقایسه می‌کند.

از جمله نتایج مترتب به مشمول قاعده لا ضرر بر عدمیات، اثبات ضمان است. قاعده لا ضرر نه تنها مانع اضرار به محیط زیست می‌شود بلکه ضمان خسارت‌های ناشی از هر گونه اقدام تخریبی یا ترک اقدام اصلاحی را هم بر عهده خسارت زنده قرار می‌دهد. (متقی، ۱۳۸۸: ۵۳)

۴-۸- تعارض قاعده تسلیط با قاعده لا ضرر

از نظر قواعد فقهی به موجب قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» هر مالکی می‌تواند هرگونه تصرفی در ملک خویش بنماید.

حال سؤال این است که: آیا به موجب این ویژگی مالک می‌تواند در ملک خویش تصرفاتی کند که موجب تخریب محیط زیست گردد؟ پاسخ از نظر قواعد فقهی منفی است؛ زیرا از نظر فقهی قاعده تسلیط که در فصل اول اشاره شد، محکوم قاعده دیگری است که تحت عنوان قاعده «لا ضرر و لا اضرار فی الاسلام» است. به نظر فقیهان اسلامی این قاعده موجب تقیید و محدود شدن اطلاق مالکیت است. بدین معنا که کسی نمی‌تواند برای اعمال حق خویش به دیگری زیان وارد سازد.

این استنباط از جمله رسول الله v کاملاً منطقی و معقول است؛ زیرا ناگفته پیداست وقتی از زبانی که بر مردم انصاری اهل مدینه از رهگذر ورود سرزده بر منزلش وارد می‌گردد و شخص زیان زنده از هرگونه پیشنهادهای مسالمت‌آمیز برای حل مسئله امتناع می‌ورزد، رسول اکرم v می‌فرماید درخت او را از بن درآورند و جلویش پرتاب کنند، در مورد تخریب‌های زیست‌محیطی زمان ما که موجبات تجاوز به منافع عمومی است و توسط مالکان به بهانه اعمال حق مالکیت صورت می‌گیرد، چگونه داوری می‌فرمودند؟

وقتی مالک قطعه زمینی در محلات پرجمعیت، به استناد مالکیت و اطلاق آن نسبت به فراز و هوا اقدام به ساختن برج آسمان خراشی می‌کند و از این رهگذر هوای محل را به وضعیتی مبدل می‌سازد که راه تنفس به تدریج تنگ می‌شود و به تشخیص کارشناسان زیست‌محیطی، موجبات بیماری‌های ریوی فراهم می‌گردد، آیا مصداق «انک رجلٌ مضار» (تو شخص زیان‌رسانی) و مشمول ندای حضرت رسول ۷ که «لا ضرار فی الاسلام» نمی‌باشد؟ به یقین آری.

البته به نظر می‌رسد مصداق واقعی «رجال مضار» نه تنها اشخاص حقیقی و مالکان املاک هستند که در واقع مدیران شهری و کسانی مخاطب نخستین خطاب رسول‌الله ۷ می‌باشند که بدون مطالعه و در نظر گرفتن مصالح عمومی مجوز این‌گونه اقدامات را صادر می‌کنند. (محقق داماد، فقه محیط زیست، بخش هفتم <https://cgie.org.ir/fa/news/> ۱۲۴۰۲). که از این نمونه خیابان سعدآباد تهران است که با برج‌های سر به فلک کشیده جلو حرکت بادها گرفته شده است.

در این راستاست که دولت‌ها اولاً در تصمیمات توسعه‌ای باید کاملاً محتاط باشند و هرگز مصالح ملی را فدای مصلحت‌اندیشی موردی و انفعالی ننمایند و این‌گونه تصمیمات چنان باید حساب شده باشد که همواره خود را آماده پاسخگویی به آحاد ملت ملاحظه کنند و ثانیاً با تمام قوا برای قطع دستان خائنان به زیست انسان‌ها و متجاوزین به منابع زیست‌محیطی ملت بیدار و هوشیار باشند. (رک: کاربرهای شهری همین رساله).

۴-۹- قاعده اتلاف

بر اساس قاعده اتلاف، هرکس به تخریب و اتلاف اموال دیگران بپردازد، مسئول جبران خسارت است در این باره روایت امام علی A ارتباط مصداقی این قاعده با محیط زیست بیان می‌کند.

«قضى فی من قتل دابة عبثاً... و ما اصاب من بهيمة فعلیه ما نقص و من ثمنها.» (نوری،

بی تا: ۹۵/۱۷).

این روایت ضمن یادآوری مسئولیت مدنی ناشی از تخریب و افساد منابع محیط زیست بیانگر وظیفه حاکم اسلامی در تحمیل مسئولیت بر مرتکبان است. همچنین از

آن استفاده می‌شود که هرگونه اتلاف عمومی موجب پیگرد کیفری و ثبوت مجازات تعریزی برای تلف کننده است. از این‌رو، فقیهان تأکید کرده‌اند که در صدق معنای اتلاف، عنصر عمد و قصد دخیل نیست و اگر منشأ اتلاف، اقدام نا آگاهانه و اشتباهی هم باشد، باز مشمول قاعده می‌شود. (مکارم شیرازی، بی تا: ۷/۲)

البته بر اساس قاعده تسبیب هم که هر اقدامی به طور غیرمباشراً موجب تخریب و آلودگی ضمان آور خواهد بود.

نکته در خور توجه آنکه این قاعده، نقش‌های تسبیبی ناشی از ترک را نیز در بر می‌گیرد. (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

برای مثال اگر اقدام نکردن به موقع اشخاص یا نهادهای مسئول، سبب خسارت‌های زیست محیطی شود، به حکم این قاعده، مسئولیت جبران خسارت بر عهده سبب خواهد بود. (تقی متقی، ۱۳۸۸: ۵۳).

۱۰-۴- اقدامات پیشگیرانه حاکمیت (قاعده وجوب دفع ضرر محتمل)

طبق قاعده وجوب دفع ضرر محتمل که قاعده‌ای عقلی است. مفاد این قاعده حکم تکلیفی و وجوب است نه ضمان. به استناد این قاعده، حاکمیت در مسائل زیست محیطی، بایست اقدامات پیشگیرانه کند و در کلیه مواردی که ممکن است منجر به آسیب‌های زیست محیطی شود، موظف است مبادرت به دفع آن نماید. مفاد این قاعده علاوه بر آثار وضعی، وجوب و تعیین وظیفه برای مقامات است؛ لذا از نظر حقوقی این حق برای کلیه شهروندان وجود دارد که در برخورد به این‌گونه موارد، نخست با درخواست مستقیم و در صورت امتناع از مراجع قضایی، الزام مقامات مسئول را خواستار شوند.

ناگفته روشن است که در فرض کوتاهی و تقصیر شخص مسئول در عدم اقدامات پیشگیرانه، پس از ورود زیان، شخص زیان دیده حق دادخواست مطالبه ضرر و زیان را دارد؛ ولی این قاعده در خصوص ایجاد حق نسبت به الزام به اقدامات پیشگیرانه قبل از ورود زیان نیز کاربرد دارد. (محقق داماد، فقه محیط زیست، بخش هفتم

بنابر آنچه بیان شد، قواعد فقهی می‌تواند مستند بسیاری از فتاوی‌ای زیست‌محیطی و مواد قانونی مربوطه باشد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری

شهر محل تعاملات اجتماعی آدمی بوده و بیشترین ارتباطات را به خود اختصاص داده است. لذا پرداختن به این موضوع براساس فقه بسیار حائز اهمیت و نظام برنامه‌ریزی شهری را تأثیرپذیر می‌گرداند.

مشخص گردید در شهرسازی می‌توان کاربری فضای سبز را بر اساس فقه شیعی رقم زد و در این صورت برای معماران و متخصصان حوزه شهری معیار تولید کرده و در صورت عملی شدن، شمول اثر آن به تمامی مردم، فارق از هر دین و مذهبی خواهد رسید. لذا با این پژوهش آنچه صورت می‌پذیرد؛

می‌توان مناسب‌سازی محصولات کاربری فضای سبز و تسهیل و کارآمدی آن را با توجه به احکام اسلامی داشت؛ به این بیان که کاربری فضای سبز می‌تواند تحت تأثیر احکام و قواعد فقهی شکل گیرد و تأثیر بر تخصیص و مکان‌یابی (مکانی بهداشتی و مناسب) و در ارتقاء معنایی (اهمیت فضای سبز در قرآن و روایات، خصوصیات باغ‌ها و فضای سبز، رعایت زیبایی در شهر با افزایش فضای سبز و درختکاری، استفاده از رنگ سبز) و افزایش عملکرد و کارایی (اهمیت فضای سبز در قرآن و روایات، شروط لازم متصدی منابع زیست محیطی، تخریب نکردن باغ‌ها و بوستان‌ها) کاربری فضای سبز داشته باشد. در این صورت این احکام می‌تواند مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته و براساس نیاز فضاهای شهری در مقیاس ناحیه، شهر و منطقه عملی گردد. لذا آنچه از منابع فقهی در زمینه کاربری‌های فضای سبز به دست آمده است عبارت‌اند از:

۱. ایجاد فضای سبز و کاشت درخت‌های مختلف در فضای شهر مورد اهتمام اسلام است.
۲. از آب باران و منابع طبیعی درست باید استفاده شود.
۳. اهتمام مضاعف در ایجاد باغ‌های انگور و زیتون و انار و نخل.
۴. بهتر است در ورودی‌های شهر باغ و بوستان و یا فضاهای سبز ایجاد گردد.

۵. مدیران شهری همت بر منع از تخریب و محافظت از فضاهای سبز و باغ‌ها و بوستان‌ها و درخت‌های در سطح شهر داشته باشند.
۶. از دگرگون‌سازی نعمت‌های الهی که تبدیل باغ‌ها و جنگل‌ها به سرزمین بایر و بی‌آب‌و‌علف است، خودداری گردد.
۷. احیای موات امری پسندیده است، احیای محیط‌زیست، عمران، آبادانی زمین و اصلاح، در صورتی محقق می‌شود که کشت و زرع و نهال‌کاری و غرس اشجار و یا ساخت‌وساز بر روی آن انجام گیرد و از هرگونه فساد و اخلال و بی‌نظمی اجتناب شود.
۸. شهر محیط شادی‌آفرین باشد و بهترین فضا برای این امر می‌تواند پارک‌ها و فضای سبز و درختکاری در شهر باشد. این امر باید متناسب جمعیت محله‌ها، ناحیه، منطقه و شهر صورت گیرد.
۹. ایجاد و حفظ باغ و بوستان و فضای سبز و روان ساختن جوی آب، مطلوب اسلام است. لذا در ایجاد و حفاظت آن کوتاهی روا نیست.
۱۰. با توجه به اهمیت اسلام به درختکاری و نشانیدن نهال، مدیران شهری را به این مهم رهنمون می‌سازد که از درختکاری در فضاهای سبز و حاشیه‌های خیابان‌ها غفلت نورزند.
۱۱. سرازیر کردن فاضلاب منازل و نیز فضولات و زباله کارخانه‌ها و سایر اماکن به نهرها، دریاها و نیز به منابع آب‌های زیرزمینی شرعاً حرام است.
۱۲. اصلاح جنگل‌های کشور عملی ضروری و لازم است، قطع درختان به منظور توسعه فضای مسکونی چنانچه موجب تخریب منابع زیستی گردد، تجاوز به منافع عمومی و شرعاً حرام می‌باشد.

📖 کتابنامه :

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، سیدرضی، ترجمه محمد دشتی.

- ۱- ابن بابویه، ابوجعفر محمدبن علی (شیخ صدوق)، الخصال، مرکز المنشورات الاسلامیه، ۱۴۰۳ق، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم.
- ۲- _____، الامالی، مترجم یعقوب جعفری، نسیم کوثر، ۱۳۸۹، قم.
- ۳- _____، عیون اخبارالرضا، محقق/مصحح، مهدی لاجوردی، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق، تهران.
- ۴- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دارصادر، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم، بی تا.
- ۵- حرّانی، ابومحمدحسن (ابن شعبه حرّانی)، تحف العقول، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، اداره تدوین متون ترویجی، ۱۳۹۴، قم.
- ۶- حرّاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق، قم.
- ۷- حکیمی، محمدرضا، الحیاة، ترجمه احمد آرام، حوزة علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳، قم.
- ۸- السیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، دارالفکر، ۱۴۲۹ق، بیروت.
- ۹- شعیری، تاج الدین محمدبن محمد، جامع الأخبار، انتشارات حضرت عباس، ۱۳۹۲، قم.
- ۱۰- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دارالفکر، بی تا، قم.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه حبیب روحانی و علی عبدالحمیدی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۷، مشهد.
- ۱۲- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۰ق، قم.
- ۱۳- قرائتی، محسن، سیمای مسکن و شهر اسلامی، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۹۳، تهران.
- ۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ق، تهران.

- ۱۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الأعلمی، ۱۹۸۷م؛ مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، بیروت.
- ۱۶- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، مرکز تهران، نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق، ج ۱؛ و مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۱۷- متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق، بیروت.
- ۱۸- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط- المسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا، قم.
- ۱۹- صدر، محمد باقر، دروس فی علم العلم الاصول، الحلقة الثانیه، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۲ق، تهران.
- ۲۰- شیرازی، ناصر مکارم، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، تهران.
- ۲۱- _____، القواعد الفقهیه، انتشارات کتابخانه صدر، بی تا.
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، دارالحدیث، ۱۳۷۷، قم.
- ۲۳- محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج- البلاغة، تصحیح عزیز آل طالب، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ش، تهران.
- ۲۴- منسوب به امام رضا، صحیفه الرضا، محقق/مصحح: محمد مهدی نجفی، کنگره جهانی امام رضا، ۱۴۰۶ق، چاپ اول، مشهد.
- ۲۵- نراقی، ملا احمد، عوائد الایام، عائده، ۱۳۶۱، بی جا.
- ۲۶- اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم، ۷، تقی متقی، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، طه، قم.
- ۲۷- اصغری لافمنجانی، صادق، اصول تربیت زیست محیطی در اسلام، سپهر، ۱۳۸۴، تهران.

| تحلیل و تطبیق آیات و روایات در کاربری فضای سبز | | | | | |
|--|--|---|------------------------|--|---------------|
| تحلیل و برداشت از آیات و روایات در کاربری فضای سبز | | | | | |
| منبع | آیات و روایات | ترجمه | تحلیل موضوع | برداشت و تطبیق | تأثیر |
| سوره نوح، آیه ۱۲ | وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا | و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد | اهمیت فضای سبز در قرآن | ۱. ایجاد فضای سبز و کاشت درخت‌های مختلف در فضای شهر مورد اهتمام اسلام می‌باشد. ۲. مسئولین متعهد و مؤمن درصدد ایجاد محیطی آرام و پاکیزه باشند تا شرایط عبودیت و بندگی و زندگی مؤمنانه فراهم گردد. ۳. مدیران شهری باید قبل از هر وضع قانون و مقرراتی محیط زندگی شهروندان را به بهترین نحو برای جامعه فاضله و زیستگاه بهشتی آماده سازند. ۴. اسلام تعقل در تمام مخلوقات عالم از جمله درختان و گیاهان، را مؤثر درکمال روحی انسان می‌داند. ۵. استفاده مناسب از آب باران. ۶. اهتمام مضاعف در ایجاد باغ‌های انگور و زیتون و انار و نخل. | ارتقاء معنایی |
| سوره مبارکه نبا (۷۸)، آیات ۱۴-۱۶ | وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا * لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا * وَجَنَّاتٍ أَلْفَافٍ | و از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم، تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم، و باغ‌هایی درهم تنیده و پردرخت! | | | |
| سوره انعام، آیه ۱۴۱ | وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ * وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشَابِهًا وَغَيْرَ مُشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ * وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ * وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ | اوست که بوستان‌هایی با داربست و بی‌داربست و درختان خرما و کشتزار با خوردنی‌های گوناگون و زیتون و انار همانند را بنیاد کرد. از میوه آن زمانی که به بار نشست بخورید و حق آن را روز چیدن و درو کردنش بدهید و گزاف کاری نکنید که او گزاف‌کاران را دوست ندارد. | | | |

| | | | | | |
|--------------------------------------|---|---|--|--|------------------------------------|
| | | | <p>و در روی زمین، قطعاتی در کنارهم قرار دارد که با هم متفاوتند و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه (و عجیب‌تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند.</p> | <p>وَ فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَ جَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنُونًا وَ غَيْرِ صِنُونًا يُسْتَمَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ</p> | <p>سوره رعد، آیه ۴</p> |
| <p>ارتقاء معنایی و افزایش کارآیی</p> | <p>۱. نباید در نگهداری منابع زیست محیطی و مراتع و مزارع و گل و گیاه، سستی کرد. اگر فضای سبز با زرع یا افشاندن دانه یا کاشتن درختی همراه باشد، چه بسا خیر مضاعف محسوب شود.</p> | <p>اهمیت فضای سبز و درختکاری در روایات</p> | <p>اگر مسلمانی درختی بکارد و پرند، انسان یا حیوانی از میوه آن بخورد.</p> | <p>مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا يَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ دَابَّةٌ أَوْ طَيْرٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ</p> | <p>مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۶.</p> |

| | | | | | |
|--|--|--|---|--|---|
| | <p>۲. مدیران شهری باید توجه کنند، اگر جلوه و روشنایی چشم افراد در دیدن فضای سبز و آب روان است، معلوم می شود که ایجاد و حفظ باغ و بوستان و فضای سبز و روان ساختن جوی آب، مطلوب اسلام است لذا در ایجاد و حفاظت آن کوتاهی روا نیست.</p> <p>آنجا که حضرت تاکید بر زیباسازی خانه داشته اند می توان برداشت کرد، به اولویت ، شهر که جایگاه اجتماع مسلمین است، چه بسا به زیبایی و زیباسازی در آن تاکید بیشتری باشد. و این امر می تواند با ایجاد باغ و بوستان و فضای سبز و گل و گیاه به ثمر رسد</p> | | <p>برایش صدقه به شمار می آید پیامبر خدا:۷: اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد ، چنانچه بتواند برنخیزد تا آن نهال را بکارد این کار را بکند.</p> <p>نگاه کردن به سبزه دیده را روشن بخشد.</p> <p>هرکس درختی بکارد و از آن حفاظت کند تا ثمر دهد، خداوند به اندازه ثمره آن، به وی پاداش خواهد داد.</p> <p>خدا زیبایی و خود آرایی را دوست دارد و از بینوایی و بینوا نمایی بیزار است؛ چون خداوند - عزوجل - هرگاه بنده ای را نعمتی عطا کند دوست دارد نشان آن را بر آن ببیند». عرض شد از چه راه؟ فرمود: «جامه پاکیزه بپوشد، بوی خوش به خویش زند،</p> | <p>أَنْ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْقَسِيلَةُ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا»</p> <p>ثَلَاثُ يَجْلِبِينَ الْبُصْرَ: النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ؛</p> <p>«من نصب شجره و صبر علی حفظها و القيام علیها حتی ثمر، کان له فی کل شیء ینصب من ثمره صدقة عندالله»</p> | <p>مستدرک الوسائل، محدث نوری ج ۱۳ ص ۴۶۰</p> <p>شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۰</p> <p>علی المقتفی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴۱.</p> <p>مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۷۶ و ۳۰۰ و ۳۰۳.</p> |
|--|--|--|---|--|---|

| | | | | | |
|---------------|---|----------------------------------|---|---|---------------------------------|
| | | | خانه اش را زیبا سازد، جلوی در خانه اش را بروید، حتی روشن کردن چراغ بیش از غروب آفتاب، فقر را از میان می برد و روزی را فزونی می دهد | | |
| افزایش کارآیی | تعهد و تخصص | شروط لازم متصدی منابع زیست محیطی | یوسف) گفت مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم | قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ | یوسف(۵۵) |
| مکان یابی | برداشت می شود که بهتر است در ورودی های شهر باغ و بوستان و یا فضاهای سبز ایجاد گردد، که آسایش روح همراه با انبساط خاطر را به تازه واردین القاء کند | آراستن ورودی های شهر به فضای سبز | برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه های فراوان و به آنها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! | لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ ﴿۳۳﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَاَهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَ أَثَلٍ وَ شَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿۳۴﴾ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نَجَاؤِي إِلَّا الْكُفُورَ | سوره مبارکه سبأ(۳۴)، آیات ۱۵-۱۷ |

| | | | | | |
|----------------------|---|--|---|--|---|
| <p>افزایش کارآیی</p> | <p>۱. گناه کفران نعمت، از دست رفتن نعمت‌های طبیعی را که مجازاتی است از سوی خداوند بزرگ بدنبال دارد. ۲. دگرگون سازی نعمت های الهی که تبدیل باغ ها و جنگلها به سرزمین بایر و بی آب و علف است، مصداق بارز کفران نعمت می‌باشد که به دست خود آدمی صورت می گیرد. ۳. تخریب و آلوده‌ساختن منابع زیست محیطی، از مصداق اسراف محسوب می‌شود که خداوند از آن نهی فرموده است. ۴. عمران و آبادانی زمین و اصلاح و احیای محیط‌زیست انسانی و طبیعی، تنها زمانی محقق می‌شود که کشت و زرع و نهال‌کاری و غرس اشجار و ساختمان‌سازی بر روی آن انجام گیرد و از هرگونه فساد و اخلال و بی‌نظمی اجتناب شود. ۵. مدیران شهری همت بر منع از تخریب و محافظت از فضاهای سبز و باغ‌ها و بوستان‌ها و درختهای در سطح شهر داشته باشند.</p> | <p>تخریب نکردن باغ‌ها و بوستان‌ها</p> | <p>خداوند [برای آن‌ها که کفران نعمت می‌کنند] مثلی زده است: منطقه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش به طور وافر از هر مکانی فرا می‌رسید؛ اما نعمت خدا را کفران کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید. که ما دو سرزمین وسیع و پر نعمت آنها را به دو سرزمین خشک با درختان بیابانی که بار درختانش تلخ و ترش و بد طعم بود و سرزمینی با درختان شوره گز (اثل) و اندکی از درخت کنارمبدل ساختیم. فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشانند، شاید (بسوی حق) بازگردند</p> | <p>وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ</p> <p>فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أُثْلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ</p> <p>ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أُنْدِيَةُ النَّاسِ يُؤْذِقُهُمْ بَعْضُ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ</p> | <p>سوره مبارکه نحل، آیه ۱۱۲</p> <p>سوره سبأ، آیه ۱۶</p> <p>سوره روم، آیه ۴۱</p> |
|----------------------|---|--|---|--|---|

| | | | | | |
|----------------------|---|---|--|---|---|
| <p>ارتقاء معنایی</p> | <p>۱. آیات اشاره دارد که باغستان‌ها باید گیاهانی تازه، خرم و بهجت انگیز و خوشرنگ، داشته باشد نه اینکه گیاهانشان زرد و پژمرده و درختانشان پیر و کهنسال و رنگ باخته باشد. ۲. بهتر است شهر محیط بهجت‌آور و شادی آفرین باشد و بهترین فضا برای این امر می‌تواند پارک‌ها و فضای سبز و درختکاری در شهر باشد. این امر باید متناسب جمعیت محله‌ها و منطقه و شهر صورت گیرد. ۳. مدیران شهری در صدد ایجاد محیطی آرام و پاکیزه و مناسب برای خانواده‌ها باشند.</p> | <p>خصوصیات باغ‌ها و فضای سبز</p> | <p>میوه و سایه اش پایدار است و آن‌ها و همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تخت‌ها تکیه می‌زنند. و بوستان‌هایی که از زیر درختان آن نهرها روان است. باغ‌های بهجت انگیز رویان‌دیم و میوه‌هایش در دسترس است</p> | <p>أَكَلَهَا دَائِمٌ وَ ظِلَّهَا هُمْ وَ أَرْوَاهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرْضِ مَنكِبُونَ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ قُطُوفُهَا دَائِمَةٌ</p> | <p>سوره رعد، آیه ۳۵ سوره یس، آیه ۵۶ همان، آیه ۱۲۲ سوره نمل، ۶۰ سوره الحاقه، ۲۳.</p> |
| <p>ارتقاء معنایی</p> | <p>با توجه به اهمیت اسلام به درختکاری و نشان دادن نهال، مدیران شهری را به این مهم رهنمون می‌سازد که از درختکاری در فضاهای سبز و حاشیه‌های خیابان‌ها غفلت نورزند</p> | <p>رعایت زیبایی در شهر با افزایش فضای سبز و درختکاری</p> | <p>محیط زندگی بدون سه عامل گوارا نیست: هوای پاک، آب گوارا و زمین حاصل خیز هرکس درخت طلح و سدر [درخت نیازمند به آب] را سیراب کند، گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب کرده است بهترین [و با برکت‌ترین] چیز، درخت خرماست، هر کس آن را فروخت پولش همچون خاکستری بر باد رود، مگر اینکه چیزی جایگزین آن کند</p> | <p>لاتطیب السکنی الا بثلاث: الهواء الطيب، الماء الغزير العذب و الارض الخوازه ان سقى طلحةً او سدره فکاتما سقى مؤمناً من ظمياً نعم الشيء النخل من باعه فائماً ثمنه بمنزلة رماد... إلا أن يخلف مكانها.</p> | <p>بحار الأنوار، ج ۷۵، باب ۲۳، ص ۲۳۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۸۶ نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰</p> |

| | | | | | |
|--|--|----------------------------------|--|--|--|
| <p>مکان یابی و افزایش کارآیی</p> | <p>۱. حفظ جنگل‌ها و مراتع و فضای سبز از هر نوع آلودگی و وظیفه مدیران شهری است. ۲. با افزودن بر مقدار گستره جنگل‌ها و درختان و فضای سبز، مبارزه با آلودگی هوا (گازهای سمی و کشنده) عینی تر خواهد شد. ۳. مدیران شهری باید توجه کنند، ایجاد و حفظ باغ و بوستان و فضای سبز، مطلوب اسلام است لذا در ایجاد و حفاظت آن کوتاهی روا نیست.</p> | <p>مکانی بهداشتی و مناسب</p> | <p>نظافت و پاکی از اخلاق انبیاست</p> <p>رسول خدا^ص از نشستن برای تخلی در کنار چاه و جوی آبی که به مصرف آشامیدن می‌رسند و همچنین زیر درخت میوه‌دار نهی فرمود. نباید ادرار در نهر آب کرد.</p> | <p>مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفِ</p> <p>نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُعَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ بئرِ مَاءٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهَا أَوْ شَطَّ نَهْرٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمِرَةٍ</p> <p>وَلَا تَبَلُّ فِي مَاءٍ تَقِيحٍ</p> | <p>بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵</p> <p>ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۱، ۹۷</p> <p>کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۵۳۴</p> |
|--|--|----------------------------------|--|--|--|